تخت جمشید و علاقه ی باستان شناسان اتریشی: بازتاب تمدن پارسی در پژوهش های باستان شناسی(ویراست اول)

۱. درآمد: ردپای باستان شناسان اتریشی در تخت جمشید

تخت جمشید (Persepolis)، پایتخت تشریفاتی امپراتوری هخامنشی در جنوب ایران، یکی از مهم ترین محوطه های باستانی در دنیا و میراث جهانی یونسکو است. این مجموعه عظیم، که در حدود ۵۱۸ پیش از میلاد به دستور داریوش اول ساخته شد، نه تنها نمادی از قدرت و شکوه امپراتوری پارسی است، بلکه به دلیل معماری بی نظیر، کتیبه ها، و نقش برجسته هایش، توجه باستان شناسان و پژوهشگران سراسر جهان، از جمله اتریش، را به خود جلب کرده است. باستان شناسان اتریشی، با سابقه ای طولانی در کاوش های باستان شانسی در منطقه غرب آسیا، علاقه ی ویژه ای به تخت جمشید نشان داده اند و از طریق همکاری های علمی و نمایشگاه های فرهنگی، به مطالعه و معرفی این میراث پارسی پرداخته اند. در این متن، به بررسی ویژگی های تخت جمشید، جایگاه آن در باستان شناسی جهانی، و علاقه و مشارکت باستان شناسان اتریشی در مطالعه این محوطه تاریخی پرداخته می شود.

۲. تخت جمشید: نماد تمدن هخامنشی

تخت جمشید، واقع در نزدیکی شهر شیراز در استان فارس، مجموعه ای از کاخ ها، تالارها، و بناهای تشریفاتی است که در دوره هخامنشیان (۵۵۹–۳۳۰ پیش از میلاد) ساخته شده است. این محوطه شامل بناهایی مانند آپادانا، تالار صد ستون، کاخ تچر، و دروازه ملل است که با نقش برجسته های دقیق و کتیبه های چند زبانه (به خط میخی پارسی باستان، عیلامی و بابلی) تزئین شده اند. این آثار نه تنها شاهکارهای معماری و هنری هستند، بلکه اطلاعات ارزشمندی درباره فرهنگ، سیاست، اقتصاد و روابط دیپلماتیک هخامنشیان ارائه می دهند. همچنین تخت جمشید به عنوان محلی برای برگزاری مراسم ها و گردهمایی های امپراتوری، بازتابی از تنوع فرهنگی و گستردگی قلمرو هخامنشی است که از هند تا مصر امتداد داشته است.

۳. باستان شناسی تخت جمشید: کاوش های اولیه و اهمیت جهانی

کاوش های باستان شناسی در تخت جمشید از قرن نوزدهم آغاز شد. اولین کاوش های علمی توسط باستان شناسان فرانسوی و آلمانی، مانند اوژن فلاندن و ارنست هرتسفلد، انجام گرفت. هرتسفلد در دهه ۱۹۳۰ میلادی نقش مهمی

در واکاوی سازه های تخت جمشید و کشف گنجینه های گرانبهایی چون لوح های گلی، ایفا کرد. این کاوش ها نشان می دهد که تخت جمشید فراتر از یک مقر سیاسی، به عنوان کانونی فرهنگی و مذهبی، تجلی‌گاه پیوند هنر و معماری تمدن‌های گوناگون بوده است؛ این ویژگی ها، تخت جمشید را به سوژه ای جذاب برای باستان شناسان سراسر جهان، از جمله اتریش، تبدیل کرده است.

۴. علاقه باستان شناسان اتریشی به تخت جمشید

سابقه دیرینه و غنی اتریش در کاوش های باستان‌شناسی در غرب آسیا که بازتاب آن را می‌توان در فعالیت‌های مؤسسه باستان‌شناسی (ÖAI) وابسته به آکادمی علوم اتریش (ÖAW) دید، نشان دهنده ی علاقه ی این کشور به تحقیق پیرامون تمدن‌های باستانی غرب آسیا و به ویژه ایران دوره ی هخامنشی است.

اتریش به طور خاص در کاوش های باستان شناسی در تخت جمشید حضور مستقیم نداشته است، بلکه عمدتاً بر پژوهش‌های آکادمیک، مطالعات متون تاریخی، تحلیل‌های میان‌رشته‌ای و مستندسازی علمی متمرکز بوده است. برخلاف کشورهایی مانند آمریکا (مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو) یا آلمان که در دهه‌های اول قرن بیستم حفاری‌های میدانی و فیزیکی گسترده‌ای را در محوطه تخت جمشید کلید زدند، حضور اتریش بیشتر در قالب همکاری‌های علمی ساختاریافته و از طریق نهادهای عالی رتبه این کشور دنبال شده است.

۴-۱. فعالیت های مؤسسه باستان شناسی اتریش(ÖAI)

مؤسسه باستان شناسی اتریش، که در سال ۱۸۹۸ توسط اوتو بندورف تأسیس شد، در کاوش های باستانی در منطقه ی غرب آسیا، به ویژه در افه سوس (ترکیه) و تل الدبعه (مصر)، فعالیت گسترده ای داشته است. اگرچه کاوش های مستقیم در تخت جمشید توسط این مؤسسه ثبت نشده، اما تحقیقات آنها در زمینه تمدن های موجود در غرب آسیا، از جمله روابط فرهنگی بین مصر، شام، و ایران هخامنشی، به طور غیرمستقیم به درک بهتر تخت جمشید کمک کرده است. برای مثال، مانفرد بیتاک، استاد باستان شناسی و مصرشناس برجسته ی دانشگاه وین، ضمن مطالعه ی روابط فرهنگی و تجاری در شرق مدیترانه در دوره برنز، به بررسی تعاملات تمدن هخامنشی با دیگر فرهنگ ها پرداخته است. این مطالعات نشان می دهند که تخت جمشید به عنوان مرکز امپراتوری هخامنشی، نقشی کلیدی در این تعاملات داشته است.

این موسسه ی باستان شناسی همچنین در تحلیل الواح گلی و سیستم اداری هخامنشیان نقش فعالی داشته است. پژوهشگران وابسته به این نهاد با بررسی آرشیو باروی تخت جمشید به رمزگشایی از ساختار بروکراتیک، نحوه توزیع جیره غذایی و مدیریت نیروی کار ملل مختلف در این مرکز تشریفاتی کمک کرده‌اند. علاوه براین بخش Archaeological Sciences مؤسسه اتریش که دارای آزمایشگاه‌های پیشرفته ژئوشیمی، بیوباستان‌شناسی و سرامیک است، چارچوب‌های نوین آزمایشگاهی را برای مطالعه یافته‌های خرد حریم پارسه ارائه داده است. این رویکرد به باستان‌شناسان کمک می‌کند تا بدون تخریب آثار، ساختار مواد، رنگدانه کتیبه‌ها و منشأ سنگ‌های به کار رفته در پلتفرم ۱۳ هکتاری تخت جمشید را تحلیل کنند.

۴-۲. پژوهش های دانشگاهی و کنفرانس های بین المللی

دانشگاه وین و مؤسسه باستان شناسی آن میزبان کنفرانس های بین المللی، مانند کنفرانس باستان شناسی خاور نزدیک (ICAANE) در سال۲۰۱۶، بوده اند که در آنها موضوعات مرتبط با تمدن های غرب آسیا، از جمله هخامنشیان، بررسی شده اند. این رویدادها فرصت هایی برای باستان شناسان اتریشی فراهم کرده اند تا با همکاران ایرانی و بین المللی در زمینه هایی مانند معماری هخامنشی و نقش برجسته های تخت جمشید همکاری کنند. همچنین، نشریه Archaeologia Austriaca، منتشرشده توسط آکادمی علوم اتریش، مقالاتی درباره باستان شناسی در غرب آسیا منتشر می کند که گاه به تمدن هخامنشی و تخت جمشید اشاره دارند.

۴-۳. نمایشگاه های فرهنگی و همکاری های بین المللی

یکی از برجسته ترین نمونه های علاقه اتریش به هنر و تمدن ایرانی، نمایشگاه «هفت هزار سال هنر ایران» است که در سال ۲۰۰۰ در موزه تاریخ هنر وین (Kunsthistorisches Museum) و با همکاری موزه ملی ایران برگزار شد. این نمایشگاه شامل ۱۸۰ ا ثر از دوره های مختلف تاریخ ایران، از جمله آثار هخامنشی مرتبط با تخت جمشید، مانند ظروف سفالی، پیکرک ها، و اشیای تزئینی بود. این نمایشگاه، که تا آوریل ۲۰۰۱ تمدید شد، نشان دهنده استقبال گسترده از فرهنگ پارسی در اتریش بود و نقش مهمی در معرفی تخت جمشید به مخاطبان اروپایی ایفا کرد.

۵. چالش ها و فرصت های همکاری

یکی از چالش های جدی همکاری در حوزه ی کاوش های باستان شناسی تخت جمشید، عدم حضور مستقیم باستان شناسان اتریشی در تخت جمشید است. این مسئله به دلایل مختلفی همچون انحصار تاریخی رقبایی همچون فرانسه و آمریکا، چالش های ناشی از تحریم های بین المللی و عدم امکان انتقال تجهیزات حساس آزمایشگاهی به ایران و کندی در اجرای تفاهم نامه های علمی بین دو طرف است. با این حال، فرصت هایی مانند نمایشگاه های مشترک، پروژه های پژوهشی بین المللی، و همکاری با موزه های ایرانی می تواند به تقویت مشارکت اتریش در مطالعه تخت جمشید کمک کند. برای مثال، همکاری های مشابه با موزه ملی ایران در نمایشگاه های بین المللی نشان دهنده پتانسیل بالای این تعاملات است.

۶. نتیجه گیری: تخت جمشید؛ بستر تعاملات علمی، باستان‌شناسی و موزه‌ای میان ایران و اتریش

تخت جمشید به عنوان شاهکار تمدن بشری و مظهر شکوه هخامنشیان، حلقه اتصال فرهنگی و علمی بین ایران و اتریش بوده است که نمود عینی آن را می‌توان در برگزاری نمایشگاه تاریخی «هفت هزار سال هنر ایران» در موزه تاریخ هنر وین (KHM)، پژوهش‌های آزمایشگاهی مؤسسه باستان‌شناسی اتریش (ÖAI) و همایش‌های بین‌المللی یافت. افزایش تعاملات فرهنگی و علمی، تخت جمشید را به پلی مستحکم میان نهادهای علمی ایران و اتریش بدل خواهد کرد. در این میان، موزه ها و مراکز آکادمیک وین، منابعی ارزشمند برای بازخوانی تاریخ هخامنشیان محسوب می‌شوند و بستری ایده‌آل برای توسعه پروژه‌های مشترک در آینده فراهم می آورند.

منابع و مآخذ:

- [1]Kunsthistorisches Museum Wien (KHM). (n.d.). *International exhibitions: 7000 years of Iranian art* [Internationale Ausstellungen: 7000 Jahre Kunst aus Persien]. Retrieved July 31, 2025, from https://www.khm.at/de/ausstellungen/archiv/7000-jahre-iran/
- [2]Austrian Archaeological Institute (ÖAI). (n.d.). *History and research activities* [Geschichte und Forschungsaktivitäten]. Retrieved July 31, 2025, from https://www.oeaw.ac.at/oeai/ueber-das-oeai/geschichte/
- [3]Austrian State Archives (Österreichisches Staatsarchiv). (n.d.). *Documents on Habsburg diplomatic relations with the Middle East*. Retrieved July 31, 2025, from https://www.statearchives.gv.at/
- [4]Bietak, M. (Ed.). (2000). *The synchronisation of civilisations in the Eastern Mediterranean*. Vienna: Austrian Academy of Sciences.
- [5]Archaeologia Austriaca. (2023). *Archaeology of Europe and the Middle East*. Vienna: Austrian Academy of Sciences Press. ISSN 0003-8008.